



# سُبْحَانَكَ قَضَائِي اسْلَام



حجة الاسلام والمسلمین  
محمد ری شهری

## دادگاههای انقلاب در محکمه تاریخ

می شنید ، در دادگاههای انقلاب به بیند .  
اکنون مردم ما منتظرند که عدالت علی علیه السلام را در  
دادگستری جمهوری اسلامی مشاهده کنند .  
اکنون مردم انتظار دارند که در رابطه با محتوا یافتن جمهوری  
اسلامی برای نخستین گام ، اسلام در داسراها و دادگاههای  
انقلاب عینیت یابد .

اکنون نه تنها ملت مسلمان ایران و جهان به مسئولین قضائی  
کشور می نگرد - که با دست آوردهای خون شهیدان ، و تلاش  
بیکارگران ، اشک بیتیمان ، و آه بیوه زنان چه می کنند - که تاریخ  
تعاوناگر این صحنه است .

درست تر بگویم ، به زبان قرآن کریم ، اکنون خدای تعالی بما  
می نگرد که پس از رسیدن به قدرت ، چگونه شکر نعمت می گذاریم و  
چه می کنیم ؟ ! :

پس از قرنهای امید و آرزو !  
پس از قرنهای تلاش و کوشش !  
پس از قرنهای تبعید و زندان و شکنجه و اعدام !  
پس از قرنهای قضاوت حکام جور !  
و پس از قرنهای نبایش و دعا برای تحقق حاکمیت اسلام .  
سرانجام خونها ، ابتارها ، فداکاریها و تلاشهای بی دریغ امت  
حزب الله ایران برهبری پیامبرگونه امام و باامدادهای غیبی الهی  
جمهوری اسلامی تحقق یافت و به مسئولین قضائی کشور امکان داد  
که احکام نورانی قرآن کریم را - بدون کم و کاست - در جامعه  
خود پیاده کنند .  
و اکنون پس از قرنهای انتظار ملت ما منتظر است که ویژگیهای  
قضا و قاضی اسلامی را که در کتب فقهی می خواند و بر فراز منبرها



واقعیّت تلخ تاریخی سخت امام را رنج میداد و لذا سعی می‌کرد که در حکومت خود یک سیستم قضائی بواقع اسلامی بوجود بیاورد که با شهادتش این آرزو در دل تاریخ ماند .

و اکنون پس از قریب چهارده قرن ، زمینه تحقق آرزو های امیرالمؤمنین علیه السلام برهبری فرزند راستین او در کشور ما فراهم شده ، با این تفاوت که جامعه امروز آمادگی حکومت امام را نداشت ، و جامعه امروز آمادگی ندارد .

آزاد دل علی خون می‌شد تا تعدادی محدود از مسلمانها را برای مدتی کوتاه به میدان جهاد بکشد ، ولی امروز فرزند او با اشاره ، امت حزب الله ایران را با دست خالی در مقابل توپ و تانکو مسلسل بخوابانها می‌کشد ، و شگفت انگیزتر اینکه شعاری دهند : توپ ، تانک ، مسلسل دیگر اثر ندارد !

آزاد گاه می‌شد اظهار نظر امام در رابطه با مسائل فرعی اسلام جنجال می‌آفرید و امت را از امام جدا می‌کرد ! ولی امروز ملت ما بعد از رشد رسیده که در جو مسمومی که بوقهای تبلیغاتی شرق و غرب بر علیه انقلاب اسلامی و اسلام بوجود آورده ، به اسلام رای میدهد و با تحمل رنجها و محرومیتها و دادن مال و جان ، با جنگ و دندان از اسلام و امام دفاع می‌کند !

و بالاخره آمادگی ملت برای اجرای احکام نورانی قرآن بهر قیمت ، حجت را بر مسئولین قضائی کشور تمام کرده و برای آنها هیچ عذری نزد خدای تعالی باقی نگذاشته است .

و من شهادت می‌دهم که در عصر ما قاضی می‌تواند با نجا اسلام واقعی است حکم کند ، بلکه می‌توانم ادعا کنم که در تاریخ اسلام قضاات با اندازه امروز ایران ، دستشان برای اجرا احکام اولیه اسلام باز نبوده است .

و لذا در این مقطع حساس تاریخ اسلام که شکوفه انقلاب اسلامی در ایران جوانه زده ، و می‌رود که با شکفته شدن آن سراسر منطقرا فراگیرد ، و زمینه را برای جهانی شدن اسلام ، و ظهور امام عصر ارواحنا له الفدا فراهم کند ، مسئولین قضائی کشور سنگین ترین بارهای انقلاب را بردوش دارند ، و دادگاههای انقلاب ، امروز در محکمه تاریخ ، و فردا در محکمه عدل الهی ، باید پاسخ بدهند

' ثم جعلناکم خلائف فی الارض من بعدهم "

" لنتظر کیف تعلمون " (۱)

(( ... سپس بعد از هلاکت مستمران ما شما ))

(( راجانشین آنها در زمین نمودیم تا به بینیم ))

(( چه می‌کنید ؟ ۰۱ ))

آنها هر چه بودند ، و هر چه کردند ، رفتند ، اکنون باید دید که ما چه می‌کنیم ؟

امام علی علیه السلام در نوشتار خود برای مالک اشتر - هنگامی که او را بحکومت مصر منصوب کرد - در رابطه با ساله قضاوت ، پس از تبیین ویژگیهایی که برای قاضی از نظر اسلام ضروری است ، جملهای دارد که برای مسئولین جمهوری اسلامی ایران بویژه متصدیان امر قضا سخت قابل تأمل و توجه است ، می‌فرماید :

" فانظر فی ذلک نظرا بلیغا فان هذا الدین "

" قد کان اسیرا فی ایدی الاشرار ، یعمل فیہ "

" بالهوی ، و تطلب به بالدنیا " (۲)

(( ... در این رابطه ، دقیق بنگر که این دین ))

(( در گذشته تاریخ در دست اشرار اسیر ))

(( بوده ، و باز چه هوسهای فرمانروایانی ))

(( بوده که بنام آن بر مردم حکومت می‌کرده اند ! ))

از این سخن امام معلوم می‌شود که در گذشته تاریخ و تازمانیکه علی علیه السلام زمام حکومت را بدست می‌گیرد ، مردم دادگاه اسلامی کمتر دیده‌اند و طعم عدالت اسلام را کمتر چشیده اند ، و فرمانروایان و قضاتی که بنام دین و مذهب و اسلام بر جوامع مختلف جهان حکومت می‌کرده‌اند ، زورمدارانی بوده‌اند که دین را برای پیاده کردن امیال نفسانی خود استخدام نموده بودند ، و این

**دادگاههای انقلاب ، امروز در محکمه تاریخ ، و فردا در محکمه عدل الهی ، باید پاسخ بدهند که با**

**دست آورد خون شهدای انقلاب و رنج و تلاش همه پیکارگرانی که پس از شهادت علی علیه السلام**

**تا امروز برای تحقق حکومت او فدا کاری کرده اند چه کرده و می‌کنند ؟ !**



که: « دست آورد خون شهدای انقلاب و رنج و تلاش همه پیگاری - گرانی که پس از شهادت علی علیه السلام تا امروز برای تحقق حکومت او فداکاری کرده‌اند، چه کرده و می‌کنند؟ »

در این رابطه توجه به سیستم قضائی اسلام برای متصدیان امر قضا، و تبیین این سیستم برای ملت آگاه و انقلابی ایران، فوق‌العاده لازم و ضروری است، و آنچه فعلا در این سلسله مقاله هائی که بقلم نگارنده در این مجله منتشر می‌شود، و از حساسیت و ضرورت و فوریت بیشتری برخوردار است، عبارت است از حساسترین فرازهای سیستم قضائی اسلام، که متأسفانه این فرازها کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، و شاید فرصت دیگری پیش آید که بخواست خدای تعالی سایر ابعاد این سیستم قضائی را مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم.

### حساس ترین فرازها

بنظر می‌رسد که حساس ترین فرازهای سیستم قضائی اسلام، ویژگیهائی است که این مکتب برای قضا و قاضی ضروری می‌داند پیش از تبیین این ویژگیها، لازم است دو مسأله مورد بررسی قرار گیرد:

۱- تاریخ قضا در اسلام.

۲- بررسی آنچه تا کنون بنام قضا اسلام در جوامع اسلامی مطرح بوده و هست.

### تاریخ قضا در اسلام:

در صدر اسلام، محکمه و دادگاه بشکلی که اکنون مشاهده می‌شود وجود نداشته.

به سخن دیگر قوه قضائیه بصورت یک قوه مستقل از قوه مقننه و قوه مجریه با تشکیلات گسترده‌ای که هم اکنون دارد، سابقه تاریخی اسلامی ندارد.

اصولاً تفکیک قوای سه گانه در تاریخ اسلام بی سابقه است باین معنا که تقسیم قوای کشور، به قوه مقننه، و قوه قضائیه، و قوه مجریه یک تقسیم بندی اسلامی نیست.

آنچه در اسلام مطرح است این است که قوه مقننه، وحی است. و قوه قضائیه، نمایندگان وحی. و قوه مجریه، دولت که جز با تنفیذ نماینده الهی از نظر اسلام رسمیت ندارد. هرچند تفکیک قوا بشکلی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده، برای تقسیم کارها و منسجم نمودن امور در عصر غیبت، مخالف اسلام هم نیست.

در عصر پیامبر اسلام "صلی الله علیه و آله" چیزی بنام دادسرا

و یا دادگاه وجود نداشت.

در آغاز بعثت که تعداد مسلمانان از چند نفر و بتدریج از چند صد نفر تجاوز نمی‌کرد طبعاً مراجعات قضائی، بسیار کم بود و نیازی به تشکیلات قضائی نبود، و در موارد ضروری، شخص پیامبر احکام لازم را صادر می‌فرمود.

ولی پس از هجرت به مدینه و گسترش نفوذ اسلام در قبائل عرب، بتدریج نیازهای قضائی جامعه اسلامی فزاینده می‌شد بگونه‌ای که کم کم پیامبر اسلام "صلی الله علیه و آله" فرصت قضاوت نمی‌یافت.

ظاهراً نخستین کسی که از طرف پیامبر اسلام مأموریت قضائی یافت و باین سمت منصوب شد، امام علی علیه السلام بود.

امام جریان مأموریت قضائی خود را برای یمن اینطور تعریف می‌کند:

"پیامبر اسلام به من مأموریت داد که بعنوان

"قاضی به کشور یمن سفر کنم، گفتم: یا-

"رسول الله من جوانم و شما مرا بعنوان

"قاضی در میان جمعیت هائی می‌فرستی بزرگسال

"و با تجربه"؟ (۳)

"پیامبر فرمود: خداوند دلت را در رابطه

"با شناخت حق راهنمایی می‌کند، و زیانت

"را برای ادا آنچه حق تشخیص داده‌ای

"استوار میدارد، وقتی دو طرف دعوا در برابر

"تو نشینند، قضاوت نکن مگر پس از اینکه از

"دیگری بشنوی همانطور که از اولی شنیده‌ای"

"که اینگونه برخورد با مسائل قضائی برای

"تشخیص حکم مناسب تر است"

"بدین ترتیب من بسمت قضاوت منصوب شدم"

"و تا کنون این سمت تداوم یافت". (۴)

از کیفیت سؤال و جواب کاملاً پیداست که این نخستین مأموریت قضائی است که به امیر المؤمنین علیه السلام واگذار شده بود.

با گسترده شدن حوزه حکومتی اسلام، نیازهای قضائی جامعه اسلامی فزاینده می‌شد، و امکاناتی برای تشکیل یک دستگاه قضائی منظم وجود نداشت، و در این رابطه پیامبر اسلام با کمبود شدید کادر قضائی مورد نیاز مواجه بود، و لذا در مواردی ضرورتاً ایجاب



### قضاوت در حضور پیامبر:

بتدریج کارها و مراجعات پیامبر اسلام بقدری زیاد شد که در مرکز هم مشکل می‌توانست به کارهای قضائی برسد ، و لذا باین دلیل ، و برای تربیت کادر متخصص ، لازم بود که در مرکز و حتی در حضور خود ، افرادی را مامور کند که میان مردم قضاوت نمایند .

یکی از این موارد جریانی است که عقبه‌بن عامر نقل می‌کند : او میگوید : روزی من نزد پیامبر اسلام " صلی الله علیه و آله " بودم که دو نفری که طرفین دعوا بودند برای قضاوت به پیامبر مراجعه کردند ، پیامبر ((ص)) بمن فرمود : میان آنها قضاوت کن .

گفتم : یا رسول الله ! شما سزاوارتر هستید که قضاوت نمائید . فرمود : قضاوت کن میان آنها " یعنی دستوراتی که قضاوت کنی " . گفتم : برچه اساسی یا رسول الله !

فرمود : تلاش کن " که بآنچه حق است و حکم الهی است ، حکم کنی " پس از این تلاش اگر اشتباه نکرده باشی و حکم تو مطابق با واقع باشد ، دو حسنه و ثواب نزد خدا داری ، و اگر اشتباه کنی یک حسنه و ثواب " (۷)

و بالاخره تا پیامبر اسلام زنده بود ، زمینه برای تشکیل یک کادر قضائی منسجم فراهم نشد ، و جهان اسلام فاقد تشکیلات قضائی منظم بود .

و در این جریان پس از پیامبر در زمان حکومت ابوبکر و تا واسط حکومت عمر ، بهمین شکل ادامه داشت . . . . ادامه دارد .

- ۱ - سوره یونس - آیه ۱۴ .
- ۲ - نهج البلاغه - نامه ۵۳ .
- ۳ - مابین دو علامت مطابق نقل کنز العمال است . در نقل سنن ابی داود آمده : " فقلت یا رسول الله ترسلینی و انا حدیث السنه و لا اعلم لی بالقضاء " .
- ۴ - سنن ابی داود ، جلد ۳ ، صفحه ۳۵۱ ، جمله اخیر حدیث با تردید نقل شده و متن این است : " ... فمزلت قاضیا ، او ما شککت فی قضاء بعد " .
- ۵ - میزان الحکمه ، وازه قضا ، باب " ان الله مع القاضی " .
- ۶ - با توجه به احادیث دیگری که در این رابطه وارد شده است ، این جمله کلام معقل است ، یعنی پیامبر جمله اخیر را شمار تکرار کرد .
- ۷ - میزان الحکمه ، وازه قضا ، باب : " للمخطی اجرو و للمصیب اجران " .

می‌کرد که افراد غیر متخصصی را که اندکی معلومات قضائی اسلامی داشتند با راهنمایی‌های لازم به سمت قضاوت منصوب نماید .

یکی از این موارد ، ماموریت قضائی معقل بن یسار بود . معقل خود میگوید : پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بمن ماموریت داد که میان قوم خود قضاوت کنم ، گفتم : یا رسول الله من خوب از عهده اینکار بر نمی‌آیم ؟ .

پیامبر فرمود : مانعی ندارد ، خداوند به قاضی کمک می‌کند تا آنجا که عمدا به حقوق مردم تجاوز نکند " (۵) " سه بار " (۶) بدیهی است که اگر پیامبر اسلام قضاوت واجد شرایط باندازه کافی داشت ، هیچوقت افرادی مانند معقل را که با اعتراف خودش در امر قضاوت تخصص ندارد ، باین سمت منصوب نمی‌نمود .

### تکرار تاریخ قضائی اسلام:

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ، تاریخ قضائی اسلام تکرار می‌شود ، زیرا امکانات قضائی کشور ما ، از امکانات قضائی جامعه اسلامی در صدر اسلام ، اگر بطور نسبی کمتر نباشد قطعا بیشتر نیست ، و لذا رهبری انقلاب بحکم ضرورت از افرادی که واجد شرایط نسبی هستند برای تکمیل کادر قضائی کشور استفاده می‌نماید . و بهمین جهت گاه از افرادی که دارای حداقل معلومات قضائی و ویژگیهای قاضی هستند استفاده می‌شود که بطور طبیعی این عمل احیانا موجب اشتباهات و زیانها و خساراتی گردیده که بعضا غیر قابل جبران است .

در اینجا من نمی‌خواهم کمبودها و نواقص دستگاههای قضائی کشور ، و با خلفای بعضی از قضائی که عدم صلاحیت آنها بعد از محرز گردیده ، توجیه کنم ، و با اینکه این اشتباهات را بگردن اسلام بگذارم ، بلکه می‌خواهم بگویم در صدر اسلام هم در این بعد بجز در مواردی که قاضی ، شخص پیامبر یا امیرالمؤمنین بود ، جریان بطور نسبی بهمین شکل بود که بدلیل کمبود شدید قاضی واجد شرایط ، احیانا افرادی که در این رابطه تخصص کافی نداشتند باین سمت منصوب می‌شدند .

بنا بر این اگر کسی بخواهد در رابطه با دستگاههای قضائی جمهوری اسلامی ایران اظهار نظر کند - در صورتی که بخواهد منصفانه قضاوت کند - یکی از مسائلی را که باید بآن توجه نماید ، شرایط فعلی دستگاههای قضائی کشور است که بطور نسبی با شرایط